

فرهنگی

علمی، اجتماعی

شرح حال علامه آیت الله حسن حسنزاده آملی - قسمت اول -

زهرا آشیان - ورودی ۷۴
معارف اسلامی

مائده‌ها گرفت.

و اینک از شاخسار این شجره طیبه
بسیارند که سود می‌برند. آثار وجودی و
کتبی فراوان استاد بسان فرزندان روحانی
در زمره صدقات جاریه آن بزرگوار، جای
دارند و تشنگان معارف را به کام می‌رسانند.
در اندیشه داشتم دفتری باز می‌کردم از
دل و آن را به همه شیفتگان دانش و طالبان
معرفت تقدیم می‌کردم تا روزنه‌های نور را از
گفته‌های ایشان در دهلیزهای تنگ و تاریک
زندگی بجویند؛ چرا که در زندگی ایشان
اسوه‌های مطلوب حیات را می‌توان یافت و
در زندگی تحصیلی‌اشان - که به اکراه در
مصاحبه‌ای بیان داشتند - به نکاتی
اساطیرگونه از همت و پشتکار و توفیق
می‌توان پی‌برد. حاصل همه اندیشه‌هایم
ره‌آوردی است از دل و برگرفته از سخنان
استاد معظم که تقدیم همه جویندگان و
شیفتگان علم و معرفت می‌گردد.

در اندیشه داشتم با فیضان جوهرم سخن
از عارف و حکیمی فرزانه برانم و از مرد حق
و عارفی دلسوخته سخن بگویم که شوق
مناجات و عطر معرفت از گل واژه‌های
کلامش هویدا است.

در اندیشه داشتم سخنانی در شأن مقام
والای استاد، به عنوان واسطه خیر بیان کنم
اما ایشان فراتر از آنند که من در وصفشان
سخن بگویم که به گفته مولانا "ستاینده
آفتاب ستایشگر خویشتن است و از بینایی
خود اوصاف می‌راند."؛ بزرگ مردی که از
وارثان دنیای اندیشه است و از معدود کسانی
که زبان تفکر دیرین را می‌شناسد و آن را
پاس می‌دارد.

استاد، فخر حوزه‌هاست و این را نه به
بهای شتاب که به همت و رنج و تلاش،
بدست آورده است. سالیان دراز، مشقات را
بر جان خرید و زانوی تحصیل در جوار
اساتید گران بر زمین سایید و از خوان علم،

نگاهی کوتاه به زندگی تحصیلی

استاد

حضرت آیت‌الله علامه حسن بن عبدالله طبری آملی مشهور به حسن زاده آملی در اواخر سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در "ایرا" از توابع لاریجان آمل دیده به جهان گشود و تحت مراقبت پدر و مادری مؤمن و متدین پرورش یافت.

ایشان برای فراگیری علوم و ادبیات به مکتبخانه رفت. پس از آن تحصیلات خود را تا کلاس ششم ابتدایی ادامه داد. سپس تحصیلات کتب ابتدایی حوزه از نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح الفیه، سیوطی، حاشیه ملا عبدالله بر تهذیب منطق، شرح جامی بر کافیه نحو، شمسیه در منطق، شرح نظام در صدف، مطول، بیان، بدیع، معالم در اصول، تبصره در فقه، مغنی اللیب در نحو، شرایع محقق در فقه و چندین کتب شرح لمعه در فقه و قوانین در اصول تا مبحث عام و خاص را در آمل فراگرفت.

انگیزه‌های ادامه تحصیل

به نقل از خودشان در ابتدا پس از چند ماه که از مدرسه ابتدایی درآمده بود با بارقه‌ای الهی در مسیر انبیا و سفرای الهی و طریق ارباب علم و مسعرت قرار گرفت. در این باره می‌گوید: "یک بنده خدایی بود که خدا رحمتش کند قرائت قرآنش خوب بود و یک روز در صحرا زمین شخم می‌زد. آن زمان هنوز آگاهی نداشتم و

در قرآن می‌دیدم که نوشته "ولم یکن له کفواً احد" در حالی که ما در نماز می‌خواندیم "ولم یکنه کفواً احد" به این آقای کشاورز گفتم قرآن دارد "ولم یکن" چرا در نماز می‌خوانیم "ولم یکل"؟ ایشان گفتند: حروف یرملون است. گفتم: یرملون یعنی چه؟ پس قدری از آن فن صحبت کرد و گفت الان که وقتش است چرا شما معطلید؟ برو دنبال تحصیل علوم و معارف! آن وقت به نجف اشاره کرد. حرف او بر دلم نشست و همین وضعیت مرا دگرگون کرد. نصف شب برخاستم و وضو گرفتم. همه اهل خانه در خواب بودند. نخواستم اظهار کنم که آنها بدانند. در خانه ما یک دیوان حافظ بود. گفتم: آقای حافظ من که نمی‌دانم آنهایی که با کتاب تو فال می‌گیرند چه می‌کنند و چه می‌گویند؟ یک فاتحه برای شما می‌خوانم شما هم بگویید من چه کنم دنبال درس بروم یا نه؟ فاتحه را خواندم و دیوان را باز کردم. همه اشعارش را که نمی‌فهمیدم چون خردسال بودم و قوه تحصیلاتم تا ششم ابتدایی بود. غزلی بود که کلمه مدرسه داشت و همین کلمه مدرسه در من خیلی اثر گذاشت و بی‌تاب شدم که آن شب را به روز بیاورم و صبح بروم سراغ مدرسه."

استاد، مقدمات علوم حوزوی را در مسجد جامع آمل آموخت و تحصیل معارف را در حالی آغاز کرد که مردم از یادشان رفته بود مبدأ و معاد در پیش دارند و بدون استثنا

مساجد شهر آمل را انبار پنبه و غلات و ... کرده بودند.

در آن زمان بزرگانی چون آیت‌الله میرزا ابوالقاسم فرسیو، آیت‌الله غروی، آقا شیخ احمد اعتمادی، شیخ ابوالقاسم رجایی لیتکوهی، شیخ عزیزالله طبرسی و مرحوم عبدالله اشراقی در تعلیم و تربیت و شکوفایی اندیشه‌های ایشان نقش مهمی را ایفا نمودند. خط را نیز نزد مرحوم طبرسی - استاد ادبیات - آموخت. آن زمان با تحریض و تشویق اساتید، شاگردان با وضو و طهارت بودند و بر اثر تأثیرات معنوی و رفتارهای پسندیده معلمان، دانش‌آموزان به تهذیب و تزکیه نفس توجه داشتند. علامه می‌فرماید: "در همان اوایل جوانی نماز شب من ترک نمی‌شد. اساتید به ما مرتب تأکید می‌کردند: شما باید در رفتار و کردارتان مواظب باشید و مراعات بکنید! اساتید ما خیلی مواظب اخلاقمان بودند. خودشان هم مردان وارسته‌ای بودند." در اواخر آموزش دروس مقدماتی حوزوی، استاد به دستور آیت‌الله غروی ملبس به لباس مقدس روحانیت گردید. پس از خوشه چینی از محضر فرزندان آمل، در سن ۲۲ سالگی و در شهریور ۱۳۲۹ وطن مألوف را به قصد عزیمت به تهران و استفاضه از محضر اندیشمندان این بلد ترک نمود و در تهران از چشمه‌جوشان حکمت و اندیشه این بزرگان، آیات عظام میرزا ابوالحسن

شعرانی، استاد حاج میرزا مهدی الهی قمشه‌ای، حاج شیخ محمد تقی آملی، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، شیخ محمد حسین فاضل تونی، آقا میرزا احمد آشتیانی و سید احمد لواسانی سیراب گردید.

پس از حدود چهارده سال اقامت در تهران و بهره‌مندی از محضر این کوکب‌های منیر به سال ۱۳۴۲ هجری شمسی تهران را ترک نمود و به شهر مقدس قم روانه شد تا در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) به خوشه چینی از خرمن معرفت نامداران حوزه این شهر بیرازد.

علامه سید محمد حسین طباطبایی و برادر ایشان سید محمد حسن طباطبایی همچنین آقا سید مهدی قاضی طباطبایی در این بهشت کویر و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) جرعه‌هایی از حکمت ناب را به کام استاد سرازیر نمودند.

روان استاد از اوان جوانی با حکمت و عرفان آشنایی یافت و از چشمه "یوتی الحکمة من یشاء" کامروا و سیراب گردید؛ آفتاب حکمت بر ذهنش تابیدن گرفت و از آموختن و تفکر و تعمق در شاخه‌های دیگر علمی آنی نیاسود و به تفحص در آثار دانشمندان در رشته‌های گوناگون علمی پرداخت.

قدرت کم نظیر استاد در مباحثه و مناظره و تسلط عالی بر آثار فلسفی و عرفانی و احاطه بر اندیشه‌های سلف به همراه فروتنی و مهربانی، جلسه

درسی را در حوزه علمیه قم پرهیجان و پرازدحام نمود و از سال ۱۳۴۲ هـ.ش که به قم عزیمت کرد تا کنون به درس و بحث و تحقیق و پژوهش اشتغال دارد و صدها شاگرد از محضرش کسب فیض نموده‌اند که برخی از آنان خود هم اکنون از اساتید حوزه و یا نامداران عرصه اندیشه اسلامی هستند.

حضرت آیت‌الله حسن‌زاده آملی از تبار حکمایی است که در حد بسیار وسیع و عمیق و به صورت صاحب نظری ژرف اندیش در فنون مختلف مهارت دارد و در دانش‌های گوناگون غور کرده و تدریس و تحقیق داشته است. ابعاد گوناگون اندیشه‌های علمی ایشان شخصیت‌هایی چون خواجه نصیر طوسی و شیخ بهایی و ابو نصر فارابی را برای انسان تداعی می‌کند.

ایشان فقیهی مسلم، فیلسوفی صاحب نظر، عارفی مشرّع و حکیمی ریاضیدان و ادیبی تواناست. از جمله خصوصیاتشان آن است که جامع حکمت نظری و عملی بوده و در عمل و سیر و سلوک ترجمان عرفان نظری می‌باشد. ادب زاید الوصف و ساده زیستی این فرزانه اندیشمند که حاکی از رفعت مقام و علو روح ایشان است، توجه هر انسان شیفته فضیلت را به سوی خود جلب می‌کند. نگرستن به سیمای نورانی اش انسان را به یاد خدا می‌اندازد و سیره صالحش تشنگان حکمت را از کسرامت و معنویت سیراب می‌کند. در گفتار نیز غالباً

سکوت را برگزیده و کم‌گویی و گزیده‌گویی می‌باشد و این خود تجلی خردمندی ایشان است. یکی از جنبه‌های مسهارت استاد تسلط بر ادبیات فارسی به عنوان صاحب نظری مسلم است. ایشان نزدیک به چهل سال قبل نه تنها به تصحیح و توضیح کلیله و دمنه اقدام نمود بلکه دو باب آن را که تا آن زمان به زبان فارسی ترجمه نشده بود، با ذوقی شگرف و قلمی شیوا و توانا به همان سیاق متن اصلی و حفظ امانت با توضیحات و پانوشته‌های عمیق و دقیق به فارسی برگرداند. از نوع نگارش و شیوه‌های ایشان در تدوین و تألیف آثار استنباط می‌گردد که بر متون ادبی اعم از منثور و منظوم در قلمرو فارسی احاطه کامل و نیز با مشاهیر آشنایی کامل دارند.

در خصوص علوم ریاضی نیز استاد حسن‌زاده تحقیقات عمیق و آثار نفیسی دارد. همچنین معظم له به دلیل تسلط بر زبان فرانسه در تحقیقات و پژوهش‌های خویش منابع غربی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. مهم‌تر از همه، انس بسیار زیاد ایشان با قرآن و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد که از دوران کودکی با این اقیانوس بیکران معنویت ارتباط داشته و خو گرفته است. در واقع قرآن سرچشمه مهم پژوهش‌های علمی این عالم وارسته می‌باشد.

در تهران کل تفسیر مجمع البیان را در محضر علامه شعرانی از نظر گذرانید و از حوزه پر فیض علامه

- طباطبایی معارفی را در خصوص تفسیر قرآن کسب کرد. از کارهای تفسیری ایشان که بطور مستقل انجام داده، تصحیح شرح خلاصه المنهج مرحوم ملا فتح الله کاشانی می باشد که به زیور طبع آراسته شده است.
- یکی از تلاش های محققانه ایشان شناسایی اسناد و مدارک نهج البلاغه است. این پژوهش از آن جهت صورت گرفت که استاد در کتاب "تاریخ تمدن اسلام" نوشته جرجی زیدان خواننده بود که خطبه های نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام نیست و اینها را سید رضی خودش انشا کرده و به ایشان نسبت داده است! این سخن سخیف جرجی زیدان موجب آن گردید که ایشان مأخذ خطبه های نهج البلاغه را که قبل از سید رضی تألیف شده یافته و استخراج نماید که از جوامع روایی گوناگون تاکنون بیش از دو سوم مدارک نهج البلاغه را جمع آوری نموده است. کار ارزشمند دیگر استاد در خصوص نهج البلاغه آن است که این کتاب شریف را از اول تا آخر از روی نسخه هایی که در اختیار داشته در مقایسه با نسخه ای که به یک واسطه از خط سید رضی نوشته شده، تصحیح نموده است.
- استاد تألیفات بسیاری دارد و در این باره می فرماید: برای اینکه نفس را مشغول باید داشت که حکما فرموده اند نفس را مشغول بدار وگرنه او تو را مشغول می کند، حواشی و تعلیقاتی بر کتب درسی از معقول و
- منقول و رسائل و جزوات در موضوعات و فنون گوناگون نوشته ام:
- ۱- شرح نهج البلاغه به نام تکملة منهاج البراعه به عربی در پنج جلد
 - ۲- رساله ای در ولایت و امامت
 - ۳- رساله ای در رؤیت و عدم آن بر مشرب حکمت و کلام
 - ۴- رساله ای در لقاءالله بر منهل عرفان
 - ۵- رساله فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب
 - ۶- رساله ای در صبح و شفق و تحقیق در صبح صادق و کاذب و بیان دسته ای از آیات و روایات در این موضوع
 - ۷- تصحیح و اعراب اصول کافی ثقة الاسلام کلینی
 - ۸- رساله اضبط المقال فی ضبط اسماء الرجال در ضبط اسم راویان احادیث
 - ۹- تصحیح خلاصه منهج الصادقین در تفسیر قرآن
 - ۱۰- تصحیح خزائن مرحوم نراقی با مقدمه و حواشی و تعلیقات استاد به عربی و فارسی
 - ۱۱- تصحیح کلیله و دمنه فارسی
 - ۱۲- انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه
 - ۱۳- تصحیح نصاب الصبیان با مقدمه و تحشیه آن
 - ۱۴- کتاب معرفة الوقت و القبله به عربی
 - ۱۵- شرح زیج بهادری به فارسی
 - ۱۶- تعلیقات بر اسفار
- صدرالمتألهین
- ۱۷- تعلیقات بر شرح خواجه طوسی بر حکمت اشارات ابن سینا
 - ۱۸- تعلیقات بر دوره منطق منظومه مثاله سبزواری
 - ۱۹- دروس معرفت نفس درسه جلد
 - ۲۰- هزار و یک نکته
 - ۲۱- الهی نامه
 - ۲۲- هزار و یک کلمه
 - ۲۳- دروس اتحاد عاقل به معقول
 - ۲۴- نهج الولاية
 - ۲۵- وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
 - ۲۶- قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
 - ۲۷- تعلیقات بر هشت باب معانی شرح مطول تفتازانی
 - ۲۸- شرح فصوص فارابی (یک دوره کامل آن به فارسی)
 - ۲۹- رساله ای در تجرد نفس ناطقه
 - ۳۰- رساله ای در توقیف اسماء
 - ۳۱- رساله ای در رد جبر و تفویض و اثبات امر بین الامرین بر مبنای حکمت متعالیه
 - ۳۲- رساله ای در مراتب و درجات قرآن مجید
 - ۳۳- دیوان اشعار که ابتدای آن مزین به تقریظ استاد حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای به خط خود آن جناب است.
 - ۳۴- تعلیقات و حواشی بر دوره اصول اقلیدس و شرح صدور آن به تحریر خواجه نصیر طوسی
 - ۳۵- تعلیقات و حواشی بر

- ۵۱- تعلیقات بر شرح قیصری بر فصوص محی الدین عربی
- ۵۲- تعلیقات بر قبله ملاً مظفر
- ۵۳- مأخذ و مصادر نهج البلاغه و استدراکات بر آن
- ۵۴- تعلیقات بر شرح علامه حلّی بر تجرید خواجه طوسی
- ۵۵- رساله مفاتیح المخازن
- ۵۶- رساله انه الحق
- ۵۷- نهج الولایه
- ۵۸- سی فصل در معرفت وقت و قبله
- ۵۹- شرح باب توحید حدیقه سنایی غزنوی
- ۶۰- نامه‌ها بر نامه‌ها
- استاد در ادامه می‌فرماید: "و همچنین به شرح غزلیاتی از خواجه حافظ و حواشی بر شرح نیشابوری به مسجسطی و رسائل و جزوات و تعلیقات دیگر پرداختم که حاجت به ذکر آنها نیست چنانکه حاجت به ذکر آنچه هم گفته‌ایم نبود."
- و ما تیمناً به ذکر پاره‌ای از کتاب الهی نامه می‌پردازیم:
- الهی! خوشا آنان که در جوانی شکسته شدند که پیری خود شکستگی است.
- الهی! آنکه سحر ندارد از خود خبر ندارد.
- الهی! استغفسار خواستن، غفران توسل با خاطر گناه چه کنیم؟
- الهی! خدا خدا گفتن مجازی ماکه این همه برکت دارد اگر به حقیقت گوئیم، چون خواهد بود؟
- الهی! توفیق شب خیزی و اشک ریزی به حسن ده!
- الهی! تا تو لیبک نگویی، کجا من الهی گویم!
- الهی! همنشین از همنشین رنگ می‌گیرد؛ خوشا آنکه با تو همنشین است «صبغة الله و من احسن من الله صبغة».
- الهی! وای بر من اگر دانشم رهزمن شود و کتابم، حجابم.
- الهی! ناتوانم و در راهم گردنه‌های سخت در پیش است و رهزن‌های بسیار در کمین و بارگران بر دوش یا هادی اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین.
- الهی! عقل گوید الحذر الحذر، عشق گوید العجل العجل آن گوید دور باش و این گوید زود باش!
- الهی! ظاهر ما اگر عنوان باطن ما نباشد در یوم تبلی السرائر چه کنیم؟
- الهی! شکر که پیرنا شده استغفار کردم که استغفار پیر استهزا را ماند!
- الهی! از خواندن نماز شرم دارم و از نخواندن آن شرم بیشتر!
- «ادامه دارد»
- اگرمانا لاؤوس به تحریر خواجه طوسی. (این کتاب در مثلثات کروی و بخصوص در شکل قطاع کروی شکل مانالاوس بحث کرده است).
- ۳۶- تعلیقات بر اکرثاوذوسیوس
- ۳۷- تعلیقات بر مساکن
- ۳۸- رساله‌ای در مثل کلی و مسائل متعدد هندسی و نجومی که در اقبال و ادبار معدل النهار و منطقہ البروج در بیان بعضی از آیات قرآنی بحث کرده‌ام.
- ۳۹- رساله‌ای در علم اوافق
- ۴۰- رساله‌ای در ظل (تائزانت)
- ۴۱- رساله‌ای در تفسیر بسم‌الله الرحمن الرحیم
- ۴۲- رساله‌ای در سیر و سلوک
- ۴۳- رساله‌ای در تکسیر دایره و بیان نسبت محیط به قطر دایره یعنی بحث از پی ()
- ۴۴- رساله‌ای در تحصیل بعد بین المرکزین که شرح مقاله‌ای از مجسطی بطلمیوس است.
- ۴۵- رساله‌ای در مثل افلاطونی و عالم مثال و مثل معلقه
- ۴۶- وجیزه‌ای در تجدد امثال عارف و حرکت جوهری حکیم
- ۴۷- تعلیقات بر آغاز تا انجام تحفة الاجلّة فی معرفة القبلة مرحوم سردار کابلی
- ۴۸- رساله‌ای در تضاد
- ۴۹- رساله‌ای در علم
- ۵۰- رساله‌ای در جعل